

پیش به سوی مبارزه انقلابی با نظام جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در بحرانی فرو رفته است که هرگونه تقلاش برای نجات خود، آن را بیشتر به عمق باتلاق فرومی برد. نه کشتار عریان معترضان بر سنگ فرش خیابان ها، نه زندانی کردن هزاران نفر از توده های مردم، که از وضع اقتصادی و اجتماعی خود و ستمی که سرمایه داران حاکم بر آنان اعمال می کنند به ستوه آمده اند، و نه حتا اعلام رسمی حکومت نظامی و آماده باش نیروهای نظامی و انتظامی و همه مزدوران رژیم برای مقابله با جنبش اعتراضی مردم، آری هیچ یک از این ترفندها نمی تواند اوضاع سیاسی کنونی را به وضع پیش از انتخابات برگرداند.

دروغ گویی، ستمگری و سرکوبگری بارزترین و درست ترین القابی اند که توده مردم به حاکمان جمهوری اسلامی نسبت می دهند. اینها واقعیت هائی اند که توده مردم سال هاست با پوست و گوشت خود آنها را لمس می کنند.

انان ستمگرند، زیرا با توسل به زور و دیکتاتوری آزادی مردم را سلب کرده اند تا بتوانند به بهره کشی، غارت و چپاول توده مردم ادامه دهند.

انان سرکوبگرند، زیرا برای مقابله با مبارزه کارگران و زحمتکشان به ضد حاکمیت سرمایه داران و زمین داران، با کشتار و خونریزی، ضرب و شتم، و زندان و شکنجه پاسخ می دهند.

گردانندگان این نظام دروغ می گویند، زیرا می خواهند چهره زشت خویش را در پشت نقاب ریا و تزویر پنهان سازند و با قلب واقعیات به تحمیق توده ها پردازند.

اما دیگر نقاب جمهوری اسلامی کنار رفته و چهره واقعی پلید و رسوای آن برملا گردیده است. اکنون توده ها برای به کف آوردن آزادی و دموکراسی، مرگ بر دیکتاتورها را فریاد می زنند و نظام استبدادی آزادی گش را نشانه رفته اند.

دو جبهه در مقابل هم صف آرایی کرده اند، از یک سو جمهوری اسلامی، رهبر مرتجع و دیکتاتور آن، سردمداران حکومت، دولت، مجلس شورای اسلامی، سپاه، بسیج، پلیس و همه مزدوران و اوباشان رژیم، و از سوی دیگر کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان انقلابی، دانشجویان، هنرمندان، سربازان و ملت های زیر ستم.

مبارزه کنونی توده های مردم نویدی از مبارزه انقلابی علیه دولت بوروکراتیک - نظامی سرمایه داران و زمین داران است. این مبارزه را باید در سطح تمام شهرها و روستاها گسترش داد و به سوی یک جنبش آگاهانه انقلابی به پیش برد.

مبارزات توده های مردم زمانی می توانند به پیش روند که دارای دورنما و اهداف روشن باشند. این دورنما و اهداف زمانی روشن خواهند بود که مبارزه توده های مردم سازمان یافته باشد. مبارزه سازمان یافته توده مردم زمانی ممکن است که طبقه کارگر متشکل باشد.

حضور کارگران در جنبشی که پی آمد بحران سیاسی کنونی به وجود آمده است، هنوز انفرادی است. آنان هنوز به مثابه طبقه در این جنبش شرکت ندارند. کارگران زمانی می توانند به مثابه طبقه در جنبش شرکت داشته باشند که دارای تشکل سیاسی و سندیکائی خود باشند. تشکل سیاسی طبقه کارگر با ایجاد حزب انقلابی این طبقه تحقق پذیر است. این حزب با دورنما، اهداف و شعارهای انقلابی خاص طبقه کارگر، توده کارگران متشکل در سندیکاها را با شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان به سوی انقلاب کارگری هدایت می کند.

آری انقلاب کارگری بی حزب کارگران، که باید رهبری آگاهانه کارگران و زحمتکشان را به عهده گیرد، به پیروزی نخواهد رسید. تنها انقلابی کارگری، که شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان را به مثابه قدرت دولتی مستقر کند و یک جمهوری دموکراتیک شورائی به مثابه نظام سیاسی ایران به وجود آورد، می تواند در هم شکستن نظام جمهوری اسلامی را به در هم شکستن نظام سرمایه داری ارتقا بخشد.

پیش برد چنین دورنما و اهدافی، به همکاری و سرانجام اتحاد همه نیروی های چپ انقلابی در حزب طبقه کارگر نیازمند است. ما همه نیروهای چپ انقلابی را به همکاری صمیمانه ای که در اندیشه خدمت به امر دموکراسی و رهائی طبقه کارگر است دعوت می کنیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک شورایی

زنده باد آزادی زنده با سوسیالیسم

اتحاد نیروهای چپ انقلابی درون کشور

3 مرداد 88

e.n.ch.e.d.k@gmail.com